

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)  
سال بیست و هفتم، دوره جدید، شماره ۳۳، پیاپی ۱۲۳، بهار ۱۳۹۶

## ساخت و کارکرد شهر مرزی آرتاشاد در مناسبات ایران و روم در دوره ساسانی<sup>۱</sup>

پرویز حسین طلایی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۶/۲/۲۳

### چکیده

زمانی که در قرن اول پیش از میلاد (ح ۹۲ ق.م) ایران و روم دو قدرت عصر باستان، با یکدیگر هم‌مرز شدند، درگیری و تنش‌هایی را با هم آغاز کردند که تا انقراض ساسانیان و ورود اعراب مسلمان همچنان ادامه داشت. شهرهای مرزی، از جمله شهر آرتاشاد، نقش مهمی را در این درگیری‌ها ایفا کرده‌اند. بنابراین این پژوهش با توجه به اهمیت موضوع بر آن است تا ساخت و کارکرد شهر مرزی آرتاشاد را مورد واکاوی قرار دهد.

یافته‌های این تحقیق که با رویکردی توصیفی-تحلیلی براساس گردآوری منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است، نشان می‌دهد که شهر آرتاشاد توسط آرتاشس پادشاه ارمنستان در قرن دوم پیش از میلاد (ح

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2017.3172.

۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه شهید باهنر کرمان؛ parviztalae@uk.ac.ir

سال ۱۷۶ ق.م) ساخته شده است. این شهر که از ساخت مستحکمی برخوردار بوده، از جنبه‌های ژئوپلیتیکی، سیاسی و نظامی و همچنین اقتصادی و تجاری برای ایران و روم حائز اهمیت بوده است؛ چنان‌که هر کدام از این قدرت‌ها در صدد تسلط بر این شهر مهم بودند. دستیابی به این شهر کلید فتح ارمنستان بود و دو قدرت باستانی با تصرف این شهر می‌توانستند از آن‌جا به مانند استراحتگاهایی برای لشکرکشی‌ها، زرادخانه‌ها استفاده کنند و سرزمین‌های یکدیگر را مورد تعرض قرار دهند. از حیث اقتصادی و تجاری نیز تصرف آرتاشاد، که یکی از مراکز گمرکی میان دو امپراتوری مطرح بود، به منزله دستیابی به سود سرشار مالی در این شهر مرزی به شمار می‌رفت.

**واژه‌های کلیدی:** ساخت، کارکرد، آرتاشاد، ایران، روم، ساسانی.

## مقدمه

شهر آرتاشاد از جمله شهرهای مرزی میان ایران و روم بود که با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی‌اش در زمان آرتاشس (۱۶۰ - ۱۸۹ ق.م) به وجود آمد. آنتیوخوس سوم (۲۴۱ تا ۱۸۷ ق.م)، پس از غلبه بر ارمنستان آرتاشس را به‌عنوان ساتراپی سلوکی‌ها در ارمنستان انتخاب شد.<sup>۱</sup> استقرار آرتاشس در این منطقه بدون دردسر نبوده است، موسی خورنی در

۱. آنتیوخوس سوم (۲۴۱ تا ۱۸۷ ق.م)، پادشاه سلوکی، پس از رسیدن به تخت سلطنت و تحکیم اوضاع داخلی، در صدد حل مسئله باختر و پارت افتاد؛ چرا که استقلال آنها دولت سلوکی را در شرق با دشواری‌های بسیار مواجه ساخته بود؛ بنابراین به‌عنوان «تفتیش مسلحانه» (گیرشمن، ۱۳۸۰: ۲۵۹) سفری به مشرق کرد. برای رسیدن به مقصود خود ابتدا از طریق کاپادوکیه رهسپار ارمنستان شد. آنتیوخوس سوم در سال ۲۱۲ پیش از میلاد وارد ارمنستان شد؛ خشایارشا، پادشاه ارمنستان پس از آنکه آنتیوخوس تخت‌گاهش آرساموساتارا شهر بندان و او را ناگزیر به تسلیم کرد، حاضر شد به پادشاه سلوکی خراج پردازد (لانگ، ۱۳۸۳: ۶۲۲). آنتیوخوس پس از اینکه خشایارشا، را به تحت‌الحمایگی خود پذیرفت، با خواهر وی ازدواج کرد (Polybius, VIII, 23, 1-5). شاه سلوکی پس از این ازدواج، خشایارشا را با کمک همسرش به قتل رسانید. آنتیوخوس پس از اینکه خیالش از بابت خشایارشا راحت شد، ارمنستان را به دوساتراپی شرقی (حوالی آرتاکساتا) و غربی (سوفنه) (به زاره)، تقسیم کرده و دست سردار خود، آرتاشس را برای تسلط بر بخش شرقی باز گذاشت و وی را به ولایتمداری ارمنستان بزرگ گذاشت (مانوکیان، ۱۳۸۶: ۶۷).

کتاب «تاریخ ارمنیان» آورده است که آرتاشس در نبرد با پادشاهان قبلی ارمنستان توانست با جلب نظر سرداران یرواند، پادشاه ارمنستان کبیر، بر این ناحیه دست پیدا کند (موسی خورنی، ۱۳۸۰: ۴۳-۴۸، ۱۶۵-۱۶۹). آرتاشس متصرفات خود را در چهار سوی شمال، جنوب، خاور و باختر وسعت بخشید (Strabo, XI, 14, 5). وی پس از پادشاهی اورارتو و اورونتیان، سومین پادشاهی را در ارمنستان پایه گذاری کرد. آرتاشس پس از پیروزی رومی‌ها بر آنتیوخوس سوم (۲۴۱ تا ۱۸۷ ق.م) در سال ۱۹۰ پیش از میلاد در مغنسیا (مگنسیا)، به رومی‌ها پیوست و خود را پادشاه نامید (Strabo, XI, 14, 15). هر چند در زمان آنتیوخوس چهارم باز تحت تابعیت ایران قرار گرفت.<sup>۱</sup>

پادشاهی ارمنی در طول سلطنت تیگران دوم (Tigranes)، گسترش یافت ولی شهر آرتاشاد پایتخت اصلی او که در شمال شرق کشور قرار داشت، نمی توانست کانون اداری و اقتصادی دولتی پهناور باشد (الچیبکیان، ۱۳۸۲: ۱۳۰). بنابراین به علت دوری آرتاشاد از قسمت اعظم امپراتوری، تیگران پایتخت جدیدی به نام تیگراناکرت (Tigranakert) ساخت. در این مقطع، از اهمیت آرتاشاد به عنوان پایتخت کشور کاسته شد، اما با تحولاتی که پس از آن رخ داد، این شهر دوباره جایگاه خود را به دست آورد.<sup>۲</sup> چنان که پس از پیروزی

---

۱. آپیان درباره این جنگ می آورد: آنتیوخوس بر آرتاکسیاس، پادشاه ارمنستان حمله برد و چندی پس از پیروزی بر او درگذشت (Appian, XI, VIII, 45). یا در جای دیگر می نویسد: آنتیوخوس کمتر از ۱۲ سال پادشاهی کرد. او در این مدت آرتاکسیاس، شاه ارمنی، را اسیر کرد (Appian, XI, XI, 66). دیودور سیسیلی نیز می نویسد: آرتاکسیاس (آرتاشس)، پادشاه ارمنستان، بر آنتیوخوس شورید و به نام خود شهری بنا کرد و مردان نیرومند را گرد آورد، اما آنتیوخوس بر او حمله برد و او را شکست داد و به فرمانبرداری واداشت (Diodorus Siculus, XXXI, 17 a).

۲. در سال ۷۱ پیش از میلاد، زمانی که مهرداد پوتی توسط لوکولوس سردار رومی‌ها شکست خورد، وی به ارمنستان فرار کرد. عدول از استرداد مهرداد توسط تیگران باعث شد که بهانه دست رومی‌ها بیفتد و به ارمنستان حمله کنند. رومی‌ها به راحتی توانستند تیگراناکرت را بعد از محاصره، به تصرف خود دریاورند و به سمت آرتاشاد حرکت کنند. لوکولوس که قصد حمله به آرتاشاد را گرفته بود، راه شمال را در پیش گرفت. وی که لشکر کشتی خود را از آغاز تابستان شروع کرده بود، در پاییز به زحمت توانست به آرازانی برسد. او به لژیون‌های خسته و تقلیل یافته خود وعده «کارناژ ارمنی» یعنی تصاحب ثروت‌های آرتاشاد را می داد. خطری که آرتاشاد را تهدید می کرد، تیگران دوم را مجبور به جنگ تمام عیار نمود. بنابراین دومین جنگ مهم این بار در آرتاشاد صورت گرفت، در این نبرد تیگران توانست نیروهای رومی را به عقب براند (برای اطلاعات بیشتر نک: Plutarch, Vol, II, 31, 32).

ایرانیان بر رومیان در کاره (حران) در سال ۵۳ پیش از میلاد، سورن سردار پارتی در سلوکیه جشن تمسخر آمیزی تدارک دید و سر کراسوس را برای ارد که در ارمنستان پیش آرتاوازد بود، فرستاد. به نقل از پلوتارک قاصدی که سر وی را حمل می کرد، هنگامی به آرتاشاد وارد شد که دو پادشاه و اطرافیانشان جشن را به پایان برده، نمایش «واکهان» اورپید را تماشا می کردند (Plutarch, The Life of Crassus, V III, 31,1-3). این عمل نشان می دهد که شهر آرتاشاد پس از مدت کوتاهی که تیگراناکرد جای آن را به عنوان پایتخت کشور گرفته بود، دوباره به عنوان پادشاه نشین انتخاب شده بود.

در سال ۵۲ میلادی بلاش به همراه تیرداد با سپاهیانش وارد ارمنستان شد و آرتاشاد و تیگراناکرد را تصرف کرد.<sup>۱</sup> پس از آن تیرداد به عنوان شاه ارمنستان انتخاب شد و از آن جا که استقرار تیرداد در ارمنستان به منزله پایان نفوذ سیاسی روم در این منطقه بود، چالشی در روابط ایران و روم به وجود آمد (Bournoution, 1995: 54).<sup>۲</sup> بنابراین درگیری هایی میان ایران و روم بر سر ارمنستان به وجود آمد تا این که در راندیا (Rhandea) ضمن پیمان صلحی موافقت کردند که تیرداد تاج و تخت را از دستان نرون امپراتور روم دریافت کند (Cassius Dio, Voll VIII, LXII, 21-22-23). با این پیمان، به نوعی تعادل قوا بین طرفین برقرار شد. نرون برای تلافی خسارت ویرانی آرتاشاد، پایتخت کشور ارمنستان که به دست سربازان رومی تخریب شده بود، مبلغ ۵۰ میلیون به پول رومی (سسترز Sesterz) همراه عده ای از صنعتگران و کارگران رومی برای همکاری در بازسازی پایتخت در اختیار

---

۱. این وقایع منجر به جنگ ده ساله (۶۴-۵۴ میلادی) با رومیان و اتحاد ارامنه و پارت گردید. در حقیقت می توان گفت دلیل اینکه پارتیان به راحتی توانستند بر شهر آرتاشاد دست پیدا کنند، این بود که ارمنستان در این زمان در دست رادامیستوس (Rhadamistus)، پسر فرسمن (Pharasmanes)، پادشاه ایبریا بود و وی رفتار خشونت آمیزی با رعایای ارمنی داشت (یبوار، ۱۳۸۳: ۱۷۹).

۲. به همین خاطر فرمانده قشون روم، دومیتئوس کوربولو در سال ۵۷ میلادی وارد ارمنستان گردید. در طول دو سال عملیات جنگی به کندی پیش می رفت، ولی در سال ۵۹ میلادی با توجه به اینکه بلاش در گیر جنگ در سرزمین هیرکانی (Hyrcanians) بود و برای تیرداد فقط قوای ارمنستان باقی مانده بود، کوربولو به طرف آرتاشاد حرکت نمود (Mommsen, 1886: II, 53). لیکن آرتاشاد مقاومت نکرد. کوربولو به این دلیل که قشون کافی برای پادگان شهر بزرگی چون آرتاشاد را نداشت، دستور تخریب شهر را صادر کرد (Cassius Dio, Vol VIII, LXII, 19) یا به قولی آرتاشاد، پایتخت ارمنستان به دستور کوربولو طعمه حریق شد (Tacitus, Book XIII, XXXIV-XLI).

تیرداد قرار داد. بنابراین پس از چندی آرتاشاد بازسازی شد و به جهت کمک نرون در این بازسازی، برای چند سال نام شهر به نرونیا (Neronia) تغییر پیدا کرد (Cassius Dio, Voll 6-7, VIII, LXIII). هرچند در دوره‌های بعدی و در درگیری‌هایی که میان ایران و روم صورت گرفت، باز شهر آرتاشاد که از موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیک ویژه‌ای برخوردار بود، دچار تخریب و ویرانی شد.<sup>۱</sup>

به‌هرحال، با توجه به این که ارمنستان از جمله دولت‌های حائل میان ایران و روم بود که در دوره ساسانی کانون درگیری‌ها شد، بررسی ساخت و کارکرد شهر آرتاشاد - که در این سرزمین (ارمنستان) قرار گرفته بود - ضرورت پیدا می‌کند. این شهر نقش مهم خود را در مناسبات ایران و روم در دوره ساسانی نیز به مانند دوره اشکانی همچنان حفظ کرد. در بین آثار مورخان و محققان ایرانی، پژوهش مستقلی درباره این شهر مرزی وجود ندارد و در پژوهش‌های غربی نیز به صورت پراکنده، اطلاعاتی از این شهر دیده می‌شود که البته با نگاه غربی به این موضوع نگریسته‌اند. لذا این که شهر آرتاشاد دارای چه ساخت و کارکردی بوده و در رقابت‌های ایران و روم چه اهمیتی داشته، مسئله‌ای است که در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود.

### موقعیت جغرافیایی شهر آرتاشاد

شهر آرتاشاد یکی از شهرهای قدیمی ارمنستان است که به‌عنوان پادشاه‌نشین این سرزمین انتخاب شده بود. این شهر در ساحل رود ارس و در دشت حاصلخیز آرارات در مکانی که ارس و متسامور به هم می‌آمیزند، واقع شده است (موسی خورنی، ۱۳۸۰، ۲، ۴۹، ۱۷۰-۱۷۱؛ Strabo XI.14.6). همین موقعیت جغرافیایی آرتاشاد باعث شده بود که نه فقط از حیث سیاسی بلکه از نظر تجاری - بازرگانی به مرکز مهمی در آسیای صغیر تبدیل شود. نام این شهر ایرانی است و به معنی «آرتاشات = شادی آرتا (the joy of Artaxias)

۱. چنان که در سال ۱۶۱ میلادی بلاش سوم پادشاه پارت با سپاهش به ارمنستان نفوذ کرد و پسرش پاکر را به تخت نشاند. ولی دو سال بعد یعنی در سال ۱۶۳ میلادی رومیان به فرماندهی ژنرال ستاتیوس پریسکوس (Priscus) وارد ارمنستان شده، آرتاشاد را تصرف و ویران کردند. این تخریب و ویرانی‌ها باعث شد برای مدت زمانی، پایتخت به شهر تازه‌ای به نام واگارشاپات (Vagarchapat) که تازه بنا کرده بودند، منتقل شود (خدادوردیان و دیگران، ۱۳۶۰: ۹۸).

(Manandian, 1965, 13. 44) است. چنان که آمده است، ارمنیان نیز مانند اورارتویان در گذشته، شهرهای نوین یاد خویش را اغلب برحسب نام شاه وقت می نامیدند (برنی؛ لانگ، ۱۳۸۶: ۲۹۱). لازم به ذکر است که این شهر در منابع به صورت آرناشات (Artashat) و آرناکساتا (Artaxata) نیز آمده است.



Source: George A. Bournoutian's [A Concise History of the Armenian People: From Ancient Times to the Present.](#)

### ساخت شهر آرناشاد<sup>۱</sup>

اولین صفحات تاریخ شهرهای فلات ارمنستان متعلق به دوران اورارتو است. پس از انقراض اورارتو زندگی شهری تا حدودی از رونق افتاد و قسمت اعظم شهرهای اورارتو حیات خود را از دست دادند. فقط تعدادی از آن‌ها به حیات خود ادامه داده و میراث کهن را حفظ نمودند. از قرن ۴ پیش از میلاد مرحله نوین ترقی شروع شد و در نواحی مناسب، زندگی شهری و تأسیس بلاد جدید شکل گرفت (خداوردیان و دیگران، ۱۳۶۰، ۶۳-۶۴).

۱. در این پژوهش منظور از ساخت، بنای شهر است. نیز در کنار آن، به اجزاء اصلی آن یعنی استحکاماتی (دروازه، برج، حصار) که جزء لاینفک شهرهای مرزی است، پرداخته شده است.

این روند ادامه داشت، تا این که در قرن دوم پیش از میلاد به تأسیس شهر آرتاشاد انجامید و پس از مدتی این شهر به پایتختی کشور ارمنستان نیز انتخاب شد.

موسی خورنی، پلوتارک و استرابو ضمن ارائه اطلاعات ارزشمندی از احداث شهر، ساخت آن را به آرتاشس نسبت می دهند.

موسی خورنی مورخ ارمنی در قرن پنجم میلادی، داستان تأسیس این شهر را به نقل از روایان گوختن به این صورت آورده است:

«آرتاشس (ح ۱۸۹-۱۶۱ ق.م) به مکانی می رود که ارس و متسامور به هم می آمیزند و تپه ای را در آنجا برگزیده، شهری را بنا می نهد و آن را به نام خویش آرتاشاد می نامد. ارس نیز با چوب جنگلی خود به کارش می آید. لذا بدون دشواری به سرعت پرستشگاهی در آنجا بنا می کند و تندیس آرتامیس و تمام بتان پدری را از باگاران به آنجا منتقل می سازد. اما تندیس آپولون را در خارج از شهر در نزدیکی جاده ای برپا می کند. اسرای یهودی را که از آرماویر انتقال یافته بودند از شهر یرواند خارج نموده در شهر آرتاشاد اسکان می دهد. همچنین کلیه تسهیلات شهر یرواند و هر آنچه را که خودش ساخته بود به آرتاشاد می آورد و بسیاری چیزهای دیگر نیز به دست خود ساخته، آنجا را به صورت شهر پادشاه نشین درمی آورد» (موسی خورنی، ۱۳۸۰، ۲، ۴۹، ۱۷۰-۱۷۱).

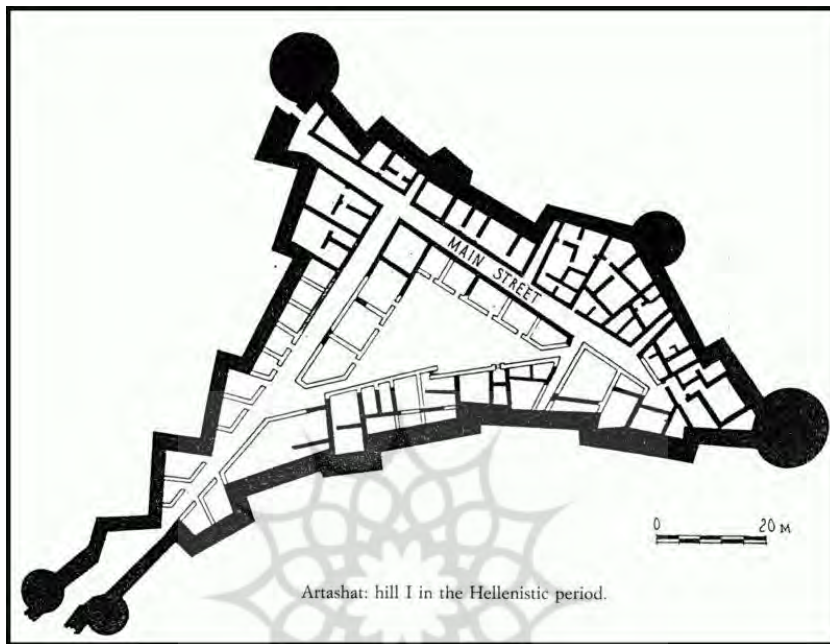
در برخی از منابع آمده است که ساخت این شهر توسط هانیبال سردار کارناژی به پادشاه ارمنستان پیشنهاد شده است، بدین صورت که وقتی هانیبال از رومی ها شکست خورد، به دربار آنتیوخوس سوم پناهنده شد و زمان زیادی از اقامت وی در دربار سلوکیان نگذشته بود که آنتیوخوس نیز در مغنسیا مغلوب رومی ها شد. هانیبال با این شکست، به ارمنستان و نزد آرتاشس اول پناه برد و پس از مدتی پیشنهاد ساخت شهر آرتاشاد را به آرتاشس اول داد، چنان که پلوتارک می نویسد: «می گویند وقتی آنتیوخوس کبیر از رومیان شکست خورد، هانیبال به نزد آرتاکسیاس پادشاه ارمنستان رفت، بسیار کارها به او پیشنهاد کرد و بسیار چیزهای مفید به او آموخت. از جمله، چون در آن منطقه منظره طبیعی بسیار مساعد و زیبایی دید، در آنجا نقشه شهری را کشید. سپس آرتاکسیاس را به آنجا برد و به

او پیشنهاد کرد که به ساختمان آن شهر اقدام کند. شاه از این پیشنهاد خوشش آمد و از هانیبال خواهش کرد که نظارت بر عملیات را برعهده بگیرد. بدین ترتیب شهری بزرگ و بسیار زیبا بنا شد که آن را به نام پادشاه آرتاکساتا نامیدند و پایتخت ارمنستان شد» (Plutarch, The Life of Lucullus, Vol, II, 31.3-4).

استرابو نیز از توپوگرافی و استحکامات آرتاشاد سخن رانده و می‌آورد که حصارهای شهر از سه طرف با جریان رود ارس و از طرف چهارم به وسیله خندق و سنگر محدود می‌گشته است: «آرتاکساتا در نزدیکی دشت ارس قرار دارد. شهر زیبا و تخته‌سنگی است. شهر در شبه‌جزیره آرنج‌شکلی قرار دارد و دور تا دور دیوارهای شهر را رودخانه چون حفاظی، به جز نقطه‌ای که شبه‌جزیره را باریکه‌ای به پسرکانه متصل می‌کند، در میان می‌گیرد؛ اما این گوشه شهر نیز به وسیله خندق‌ها و سنگرهای چوبی محافظت می‌شود» (Strabo XI.14.6).

با توجه به گفته‌های این نویسندگان می‌توان گفت که آرتاکساتا (Artaxata) مزیت متمایزی نسبت به پایتخت‌های قبلی ارمنستان مانند آرمایر و ارونداšt (Eruandašat) داشت؛ چرا که دفاع از آن خیلی راحت‌تر و به مسیرهای تجارت بین‌المللی آن موقع نزدیک‌تر بود و در قرن اول پیش از میلاد از حیث وسعت و زیبایی به شهرت رسیده بود (Hewsen, 1986, <http://www.iranicaonline.org>). همچنین درباره احداث شهر آرتاشاد باید گفت همان‌طور که دوره هلنی دوره ترقی و پیشرفت شهرها بوده، این شهر نیز از این قاعده مستثنی نبوده و تحت تأثیر اصول پیشرفته شهرسازی هلنیان، ساخته شده است. چنان‌که اولین تئاتر ارمنستان در اینجا ساخته شد. موسی خورنی اشاره می‌کند که پس از تأسیس شهر آرتاشاد، مجسمه‌های متعددی از خدایان الهه‌هایی مانند آناهیت (Anahit)، آرتمیس و تیرا از مرکز مذهبی باگاران (Bagaran) و دیگر مناطق به شهر آوردند (موسی خورنی، ۱۳۸۰: ۲، ۴۹، ۱۷۰-۱۷۱). از جمله عوامل دیگری که نشان از تأثیرپذیری شهر آرتاشاد از فرهنگ شهرسازی یونانی-رومی دارد، فرستادن معماران ساختمانی است که نرون امپراتور روم برای بازسازی این شهر، که بر اثر درگیری‌های میان سرداران رومی و ارمنی تخریب شده بود، به ارمنستان فرستاد.





پلان شهر آرتاشاد: Armenian-history.com

پس از مسیحی شدن ارمنستان، آرتاشاد جزو اولین شهرهایی بود که در آنجا کلیساهایی ایجاد شد، از جمله کلیسایی در خورویراپ، که گریگور مقدس قبل از به مسیحیت درآمدن در آنجا زندانی بود، ساخته شد. جدا از تأثیرپذیری از فرهنگ یونانی - رومی در ساختمان و پلان شهرهای ارمنستان، به ویژه آرتاشاد، باید گفت که با توجه به پیوستگی این سرزمین با ایران، رد پای معماری و فرهنگ ایرانی را می توان در جزئیات این ساختمان ها به وضوح مشاهده کرد. چنان که لانگ در این باره می نویسد: «هم در ارمنستان و هم در گرجستان نفوذ ساسانی در بسیاری از جزئیات کلیسا و معماری غیردینی آشکار است. در واقع کوشش های قانع کننده ای انجام گرفته تا طرح کلیسای گنبددار چلیپایی را که خاص ارمنستان و گرجستان است با آتشکده های زردشتی پیوند دهند. گذشته از طرح چلیپایی، کلیساهای گنبددار مدور نیز یافت می شود. بی گمان نقش و نگارهای شیر جانوران وحشی که در آرایش بیشتر کتیبه ها و سرستون های کلیساهای نخستین و کاخ های گرجی و ارمنی به چشم می خورند، برگرفته از نمونه های ساسانی هستند» (لانگ، ۱۳۸۳: ۶۴۴).

## کارکرد شهر آرتاشاد در مناسبات ایران و روم در دوره ساسانی

### الف) کارکرد ژئوپلیتیکی، سیاسی و نظامی

در منابع تاریخی دوره ساسانی، اهمیت شهر آرتاشاد بیش از پیش نمایان شده است. چنان که ذکر شد این شهر همواره مورد تهاجم رومی‌ها و اشکانی‌ها قرار می‌گرفت که با خرابی و ویرانی شدید همراه بود. به صورتی که برخی اوقات شهر از موقعیت پادشاه‌نشینی درآمده و پایتخت به شهر دیگری انتقال پیدا می‌کرد.

با توجه به این که ساسانیان در اوایل تأسیس این سلسله، خود را جانشین هخامنشیان و احیاکننده‌ی امپراتوری ایشان می‌دانستند، درصدد دست‌یابی به تمام سرزمین‌های آن امپراتوری بودند. بنابراین ارمنستان یکی از نقاطی بود که مؤسس این سلسله از همان ابتدا درصدد تصرف آن برآمد. به نوشته آگاتانگوس ایرانیان که نتوانسته بودند با لشکرکشی و جنگ بر ارمنستان غلبه کنند، از طریق فرستادن شخصی به نام آناک، و به صورت خائنه توانستند خسرو پادشاه ارمنستان را به قتل رسانده به سرزمین ارمنستان دست پیدا کنند. از گفته‌های آگاتانگوس برمی‌آید که آناک در دوره اردشیر اول فرمان یافته بود خسرو را به قتل برساند (آگاتانگوس، ۱۳۸۰: ۳۰-۳۷)؛ اما در ادامه و پس از به قتل رساندن خسرو مشخص نمی‌کند که این اتفاق در دوره اردشیر اول یا دوره شاپور اول افتاده است. مورخان و محققان جدید اعتقاد دارند که ارمنستان در دوره شاپور اول در سال ۲۵۲ میلادی به تصرف ایرانیان درآمده است (Springling, 1953: 7; Chaumont, 1987: 426).

آگاتانگوس که منبع ما برای مطالعه این دوران به شمار می‌آید، در کتاب خود شهر پادشاه‌نشین را در این دوران و اغارش آباد می‌داند. در هر صورت پس از تسخیر ارمنستان، شهر آرتاشاد نیز به تصرف ساسانیان درآمد، اما به نظر می‌رسد با وجود پایتخت بودن و اغارش آباد، چنان که در ادامه می‌آید، این شهر جایگاه خود را به عنوان شهری مهم و ژئوپلیتیک از دست نداده است.

سلطه ایران بر ارمنستان باعث آغاز اختلاف و سلسله جنگ‌های متعدد بین دولت‌های ساسانی و روم شد تا این که سرانجام پس از چندین سال جنگ و خونریزی و خسارت‌های بسیار رومی‌ها موفق شدند در سال ۲۸۲ میلادی و در زمان بهرام دوم بر ارمنستان دست پیدا

کنند. دیوکلسین در معاهده صلحی که با بهرام دوم منعقد کرد، توانست دوباره تیرداد سوم، شاهزاده‌ی فراری ارمنی را در سال ۲۹۰ میلادی به تخت آن‌جا بنشانند ( Dodgeon and Dignas; Winter, 2005:106-108؛ همچنین مقایسه کنید با فرای، ۱۳۸۳: ۲۲۹؛ 2007: 27).

پس از تسلط رومیان بر ارمنستان نیز گرچه واغارش آباد توسط تیرداد سوم به عنوان پادشاه‌نشین انتخاب شد (آگاتانگوس، ۱۳۸۰: ۷۴)، اما آرتاشاد همچنان شهری مهمی بود. چنان‌که آمده است در سال ۲۸۷ میلادی هنگامی که تیرداد سوم فرزند خسرو به کمک سپاه روم برای تصاحب تاج و تخت راهی ارمنستان شد، گریگور نیز به تیرداد پیوست و نزد او تقرّب جست. تیرداد به همراه بزرگان پس از پیروزی بر سپاهیان پارس قصد داشت در روستای یریزا (yeriza) واقع در شهرستان یکغیاتس در معبد آناهیتا قربانی کند، اما گریگور که مسیحی بود از این کار سرباز زد و به‌زودی برای تیرداد مشخص شد که او فرزند آناک قاتل پدرش است. به همین علت و علل دیگر دستور داد گریگور را به استان آیرارات گسیل کرده و به دژی در درون شهر آرتاشاد برده و به سیاهچال درون آن، خورویراب، که بیرون‌شدن از ژرفای آن ناممکن بود، افکنند (باغداساریان، ۱۳۸۰: ۶۷؛ آگاتانگوس، ۱۳۸۰: ۳۷-۶۵).

پس از به مسیحیت درآمدن ارمنستان، معابد آیین قدیم که جزو شاهکار معماری ارمنیان بود، تخریب شدند، چنان‌که آمده است اولین شهری را که پادشاه دستور داد معابد آیین کهن و نیاکان خود را تخریب کنند، آرتاشاد بود. آگاتانگوس در این باره می‌نویسد: «خود پادشاه به همراه سپاهیان از شهر واغارش آباد روی به شهر آرتاشاد نهاد تا بت‌خانه آناهیتا و آنچه را در ناحیه یرازامون واقع بود، ویران کند» (آگاتانگوس، ۱۳۸۰: ۱۲۱). این اقدام به درگیری‌هایی با مردم ساکن آرتاشاد منجر شد که به شدیدترین صورت سرکوب گردید. پس از تخریب معابد کهن شهر آرتاشاد، به جای آنها کلیساهایی را به وجود آوردند (باغداساریان، ۱۳۸۰: ۶۷-۶۸؛ آگاتانگوس، ۱۳۸۰: ۱۴۲). این کلیساها بناهای مستحکمی بودند که حصارهای بلندی به دورشان کشیده شده بود و این خود یکی از

ویژگی‌های این سرزمین است، چون همیشه مورد تهدید بود و همواره از آن دفاع می‌شد (پاسدرماجیان، ۱۳۶۹: ۱۲۱).

شاپور دوم پس از روی کار آمدن و تحکیم امور داخلی، در صدد الغای صلح سال ۲۹۸ میلادی<sup>۱</sup> برآمد. وی توانست در سال ۳۶۳ میلادی به این هدف دست پیدا کند. بروسیوس می‌نویسد: «با الغای صلح‌نامه نصیبین، رومیان نصیبین را به ایرانیان واگذار کردند» (بروسیوس، ۱۳۸۸: ۱۹۹)؛ اما مورخان بر این باورند که این صلح مفادی دیگر از جمله عدم دخالت روم در امور ارمنستان (دیاکونوف، ۱۳۸۴: ۱۹۸؛ شیپمان، ۱۳۸۴: ۴۰؛ کریستین سن، ۱۳۷۵: ۳۳۲؛ فرای، ۱۳۸۳: ۲۳۷-۲۳۸) را داشته است.

شاپور دوم پیش از این که به صورت رسمی به ارمنستان حمله کند به تحریک ماساژت‌ها و هون‌های قفقاز پرداخت تا با حمله به ارمنستان حکومت آن را تضعیف کنند (موسی خورنی، ۱۳۸۰: کتاب سوم، ۲۲۵.۷). ارمنستان از سال ۳۶۴ تا ۳۶۹ میلادی ۲۷ بار مورد حمله قرار گرفت که برخی از این حملات به رهبری ناخارارهای خائن ارمنی صورت گرفت (Henzel, 2008: 165). از زمانی که مسیحیت در ارمنستان راه باز کرد، نزدیکی این سرزمین ایرانی به امپراتوری روم بیشتر و بالطبع گرفت؛ این امر ساسانیان را بر آن داشت تا مسیحیت را در ارمنستان براندازند و ارمنیان را به زور به کیش زردشت داخل کنند. لذا پس از ورود به ارمنستان به نابودی مظاهر آیین مسیحیت در این سرزمین پرداختند، کلیساها را آتش زدند، دیرها را ویران کردند و راهبان را از دم تیغ گذراندند (پاوستوس بوزند، ۱۳۸۳: ۲۲۱؛ Greatrex & Lieu, 2005: 22-23; Bournoutian, 1995: 66-67; پاسدرماجیان، ۱۳۶۹: ۱۲۶). شهر آرتاشاد نیز از این ویرانی و تخریب بی‌نصیب نماند؛ چنان که مهم‌ترین منبع ما در این دوران، فوستوس بیزانسی می‌نویسد که شاپور دوم پس از فریب آرشاک پادشاه ارمنی و فراخواندن وی نزد خود، که به مرگ وی منجر شد، (Ammianus Marcellinus, 27.12.1-4) به تخریب این شهر پرداخته است:

---

۱. به موجب این عهدنامه که در سال ۲۹۸ میلادی بسته شد پنج ولایتی که در ساحل رود دجله واقع بود، به رومیان تعلق گرفت.

«سپس به شهر بزرگ آرتاشاد آمدند، آن را گرفتند و باروها را کردند. گنجینه پنهان آن جا را نیز برگرفتند و شهر را سراسر به اسیری بردند. از شهر آرتاشاد نه هزار خانوار یهودی را که تیگران، پادشاه اشکانی، از سرزمین فلسطینیان به اسیری آورده بود به همراه چهل هزار خانوار ارمنی اسیر کردند. از شهر آرتاشاد این انبوه مردمان را بردند. آن‌ها ساختمان‌های چوبی شهر را آتش زدند و سوختند و ساختمان‌های سنگی و باروها را فرو ریختند. جمله ساختمان‌های شهر را از بنیان کردند، سنگ روی سنگ برجای نگذاشتند و شهر از تهی مردمان خالی و ویران کردند. بعد از آن اسیران را به سرزمین پارس بردند» (پاوستوس بوزند، ۱۳۸۳: دبیری چهارم، ۵۵، ۲۰۹).

پس از درگیری‌های مداومی که از سال ۵۳ میلادی در زمان اشکانیان میان ایران و روم بر سر ارمنستان آغاز شده بود، نهایتاً دو طرف در زمان شاپور سوم (۳۸۳-۳۸۸ م.)، به راه‌حلی در مورد ارمنستان رسیدند و تن به تقسیم این سرزمین دادند. بدین صورت که تئودوسیوس اول و شاپور سوم بر سر طرح مسئله تقسیم که در سال ۳۷۷ میلادی بین شاپور دوم و والنس مطرح شده بود (فرای، ۱۳۸۳: ۲۳۸؛ Dignas; Winter: 2007: 183-184)، در سال ۳۸۷ میلادی به توافق رسیدند.<sup>۱</sup> اگرچه درگیری‌های داخلی و مداوم پادشاه و اشراف ارمنی در تصمیم این دو دولت بی‌تأثیر نبود، تا جایی که به گفته تومانوف (Toumanoff) خود ارمنی‌ها باعث به وجود آمدن این دو پارگی بودند (Toumanoff, 1961: 5 طبق این توافق، ارمنستان به دو قسمت نامساوی تقسیم شد که در نتیجه آن سه چهارم آن به ایران بازگشت (گیرشمن، ۱۳۸۰، ۳۵۶)؛ بخش شرقی و بزرگ‌تر ارمنستان بهره‌ی ایرانیان و بخش کوچک‌تر و غربی آن بهره‌ی روم شد (Grosby, 1997: 18, 24)؛

۱. تاریخ دقیق این قرارداد مشخص نیست، دریایی در کتاب خود می‌آورد: در زمان پادشاهی بهرام چهارم «۳۹۹-۳۸۸» ارمنستان استقلال خود را به کلی از دست داد (دریایی، ۱۳۸۳: ۳۶) و در جای دیگر نیز تقسیم ارمنستان را به عنوان رویداد مهم پادشاهی این پادشاه ذکر می‌کند. (Daryae, 1998: 439؛ دریایی، ۱۳۸۲: ۹۱). برخی مورخان دیگر نیز سال ۳۸۴ و ۳۹۰/۳۸۹ میلادی را ذکر کرده‌اند؛ اما اجماع عموم مورخان بر سال ۳۸۷ میلادی است. برای آگاهی بیشتر در این باره بنگرید به: (Greatrex, and Lieu, 2005: 28؛ Chaumont, Blockley, 1987: 222-234).

Toumanoff, 1961: 5). بخش رومی از غرب تئودوسیوپولیس (ارزروم فعلی) در شمال و مارتیروپولیس در جنوب که شامل بخش کوچک‌تر یونانی‌نشین آن می‌شد، امتداد پیدا کرد؛ اما سهم ایرانیان که بر بیشتر ارمنستان دست یافتند، شامل شهرهای آرتاشاد و دوین می‌شد (Bournoutian, 1995:67-69). پس از این توافق، روابط تنش‌آمیز با مسیحیان ارمنستان، که در درگیری‌های میان ایران و روم به جانبداری از رومی‌ها متهم می‌شدند، به روابطی مسالمت‌آمیز تبدیل گردید.

مدت زمان زیادی از تقسیم ارمنستان میان ایران و روم نگذشته بود که ساسانیان سلسله آرشاکونی (اشکانی) ارمنستان (ح ۵۲-۴۲۸ م.) را در سال ۴۲۸ میلادی منقرض کردند و اداره آن را برعهده مرزبانان پارسی و ارمنی واگذار نمودند. یزدگرد دوم (۴۳۸ - ۴۵۷ م.) در اوایل پادشاهی خود موفق به بهبود روابط خود با بیزانس گردید و هفتالیان را از مرزهای ایران دور نمود. به دنبال این اقدامات، شرایط مناسبی برای اتخاذ سیاست قطعی در قبال سرزمین‌های تابعه مخصوصاً ارمنستان به وجود آمد (خداوردیان و دیگران، ۱۳۶۰: ۱۵۳-۱۵۴). بنابراین وی درصدد «ایرانیزه» کردن ارمنستان برآمد (Toumanoff, 1961: 6)؛ به سخنی دیگر یزدگرد در پی آن بود تا هرگونه نفوذ روم (اعم از فرهنگی، دینی و غیره) را در ارمنستان از بین ببرد؛ تا جایی که فرماندار ایرانی ارمنستان صحبت کردن و ترجمه به یونانی را ممنوع اعلام کرد (Henzel, 2008: 185). این سیاست پس از مدتی، به اقدامات شدیدتر و عملی‌تری یعنی تحمیل کیش زردشتی به ارمنیان منجر شد (Henzel, 2008: 190; Bournoutian, 1995: 77). لذا یزدگرد دوم در سال ۴۴۹ میلادی، وزیرش را مأمور کرد تا به ارامنه نامه دهد و آنان را به تغییر آیین فراخواند (P'arpec'i's, 1991: part Two, 22). به منظور پاسخ‌گویی به این فرمان جلسه ملی، کلیسایی با شرکت همه ناخارارها و اسقف‌ها و شخصیت‌های مهم در «آرتاشاد» تشکیل شد. در شورا تصمیم گرفته شد که تنها در مسائل سیاسی تابع پادشاه پارسی باشند و در امور مذهبی حاضر به پذیرش فرمان شاه ایران نشوند، بنابراین با درخواست ایرانیان مخالفت کردند (P'arpec'i's, 1991: part Two, 24). انتخاب آرتاشاد در این زمان حاکی از اهمیت این شهر بود، زیرا در زمانی که آیین ارمنی‌ها توسط ساسانیان مورد تهدید قرار گرفت، در این شهر انجمن کردند.

در هر صورت، وقتی یزدگرد دوم نتوانست با فرستادن نامه ارمنستان را از روم جدا کند، کوشید به ضرب شمشیر ارمنیان را به دین سابق درآورد و از همدستی با رومیان، دشمنان همیشگی ایران، باز دارد (باغداساریان، ۱۳۸۰: ۹۴-۹۵). به دنبال این وقایع، یزدگرد دوم لشکری را به سوی ارمنستان روانه کرد و در نبردی که در دشت آوارایر در ۲ ژوئن ۴۵۱ میلادی در گرفت، ۶۶۰۰۰۰ هزار ارمنی به فرماندهی قهرمان ملی، شاهزاده واردان مامیکونیان، با سپاه ۲۲۰۰۰۰ نفری ایرانیان پیکار کردند. واردان و چندین هزار تن از یارانش در میدان نبرد از پای درآمدند و از این واقعه تا به امروز در تقویم ارمنی با عنوان «پنجشنبه آمرزیده» یاد می‌شود (لانگ، ۱۳۸۳: ۶۳۲). به دنبال آن بسیاری نیز به داخل ایران تبعید گشتند (Elishē, 1982: 57-58; دریایی، ۱۳۸۳: ۳۹؛ Bournoutian, 1995:78).

شهر آرتاشاد دوباره توسط نیروهای ارمنی طرفدار ایران در طول جنگ‌های واردانی (Vardananc) در حدود سال ۴۵۰ میلادی نابود شد و پس از آن به سرعت از موقعیت پایتختی ارمنستان تنزل پیدا کرد و پایتخت در نزدیک دوین (Dvin) قرار گرفت. اعتقاد بر این است که در این دوره به دنبال تغییر مسیر ارس و خطر آب گرفتگی تصمیم به ترک دائم این مکان گرفته شد، گرچه برخی دیگر معتقدند که آرتاشاد به سبب بدی آب و هوا متروک ماند. در این رابطه لانگ و برنی نیز در کتاب مشترک خود به نام «تاریخ اقوام کوه‌نشین شمال غرب ایران» می‌نویسند: «آرتاکسیاس تختگاهش، آرتاشاد را منطقه‌ای مرطوب و اغلب آلوده به مالاریا احداث کرد» (برنی؛ لانگ، ۱۳۸۶، ۲۹۲).

با این حال، آرتاشاد در مواقعی به صورت موقت، موقعیتش را به عنوان پایتخت کشور از دست می‌داد و پایتخت به تیگران کرتا و واغارشاپات (Vagharshapat) انتقال پیدا می‌کرد تا این که نهایتاً پایتخت در اواسط قرن پنجم میلادی به دوین منتقل شد و آرتاشاد به تدریج اهمیت خود را از دست داد. بنابراین، بایستی گفت که شهر آرتاشاد در دوره ساسانی از لحاظ ژئوپلیتیکی و نظامی از اهمیت خاصی برخوردار بود. در این دوره، نه تنها ارمنستان بلکه سرزمین‌های گرجستان و آلبانیا نیز اهمیت ویژه‌ای داشت، چنان‌که ردپای این مناطق در قراردادهایی که میان ایران و روم و بعداً بیزانس بسته شد، وجود دارد و مؤید این گفته می‌باشد؛ چرا که دفاع از معابر قفقاز در برابر مهاجمان صحراگرد شمالی هم برای



ساسانیان و هم برای بیزانسی‌ها ضروری بود. در قراردادهایی که میان دولت بیزانس و ساسانیان منعقد می‌گردید، بیزانس متعهد به پرداخت هزینه‌هایی برای دفاع از دربند و شمال می‌شد، زیرا به علت تهدیدی ولایات بیزانس در آناتولی این امپراتوری در صدد فرصتی بود تا دولت‌های ارمنستان، گرجستان و آلبانیا را از تصرف ساسانیان درآورده و ابتکار عمل را در این مناطق در دست گیرد. این مناطق در حکم سپری برای دولت‌های ساسانی و بیزانس بودند و تسلط بر ارمنستان و به‌ویژه شهر آرتاشاد از سوی ساسانیان، جدای از منافع اقتصادی، تدارک مرکزی برای حمله به سرزمین‌های بیزانس، در مواقع درگیری میان طرفین، به شمار می‌رفت. از دیگر سو بیزانسی‌ها نیز با تسلط بر مناطق ذکر شده می‌توانستند سریع‌تر به قلب سرزمین ایران حمله کرده و پایتخت ساسانیان را مورد تعرض قرار دهند. لانگ از این مناطق با عنوان «دالان نظامی» نام می‌برد و معتقد است که ساسانیان از همان اوایل روی کار آمدن در صدد بودند بر این دالان نظامی تسلط پیدا کنند (لانگ، ۱۳۸۳، ۶۳۰).

### (ب) کارکرد اقتصادی (بازرگانی و تجاری)

جاده ابریشم که در عصر باستان شرق را به غرب وصل می‌کرد، بیش از یک مسیر داشته و در بعضی نقاط به شعبه‌های فرعی تقسیم می‌شد. یکی از مسیرهای فرعی پس از عبور از فلات ایران به ارمنستان رفته و از طریق دریای سیاه و مدیترانه به اروپا می‌رسید. شهرهای بزرگی بر سر راه این جاده‌ها سر بر آوردند که منزلگاه‌های بازرگانان بیگانه و به مرکزی برای انتشار فرهنگ ایرانی و یونانی - رومی تبدیل شدند. یکی از شهرهای مهم ارمنستان که در مسیر این جاده قرار داشت و در مبادلات تجاری نقش بسزایی را ایفا می‌کرد، شهر آرتاشاد بود.

موقعیت ژئوپلیتیک و استراتژیک این شهر، که در دره آرات و کنار رود ارس و همچنین مسیر جاده ابریشم قرار گرفته، به زودی آرتاشاد را به عنوان یک مرکز عمده فعالیت‌های اقتصادی و رونق تجارت بین‌المللی که ایران و بین‌النهرین را با قفقاز و آسیای صغیر ارتباط می‌داد، تبدیل ساخت. مشخصه جغرافیایی و ژئوپلیتیک این سرزمین باعث



شده بود که به شدت محل رقابت ایران و روم قرار گرفته و در لشکرکشی های آنها به عنوان هدف نظامی به شمار رود. چنان که با گذری در تاریخ جنگ ها میان ایران و روم می توان پی برد که ریشه برخی از آنها به مسائل اقتصادی برمی گردد. ماناندیان در این رابطه می نویسد: «آرتاشاد پایتخت نشین در عصر باستان به تدریج به یک نکته کلیدی و مهم در روابط تجاری تبدیل شده و یکی از مراکز اصلی انبار برای مبادلات تجاری تبدیل شد» (Manandian, 1965, 13. 44). موقعیت سوق الجیشی این شهر که در مسیر راه تجاری - بازرگانی قرار گرفته بود، تأثیر جدی بر رشد و توسعه آن داشت.

هر چند برخوردهای نظامی متعدد ایران و روم و بیزانس، در کار بازرگانی خلل ایجاد می کرد، اما منافعی که این قدرت ها از راه مبادلات بازرگانی و تجاری به دست می آوردند، به ناچار آنها را به هم نزدیک می کرد؛ چنان که در قراردادهای میان ایران و روم و بیزانس، با توجه به موقعیت سوق الجیشی و ژئوپلیتیک شهر آرتاشاد، این شهر به یکی از سه مکان مبادلات تجاری انتخاب شد. چنان که در اوایل قرن پنجم (سال ۴۰۸/۹ م.) به موجب فرمان امپراتوران روم هونوریوس «Honorrius» و تئودوزیوس صغیر به یک مقام ارشد به نام آنتیموس (Anthemius)، شهر آرتاشاد به عنوان مکان مبادله تجاری با ایران معین شد.

در این رابطه در کتاب «مجموعه قوانین ژوستینی» آمده است: «به هیچ وجه مجاز نیست که بازرگانان، چه رعایای کشور خودمان و چه رعایای پادشاه ایران، غیر از این مکان ها، در جاهایی دیگر غیر از مکان هایی که ما به هنگام قرارداد با ملت مزبور توافق کرده ایم، بازار برپا دارند و از این طریق درباره اسرار کشور پادشاهی خارجی به نحوی ناشایست تجسس کنند. بنابراین، هیچ یک از رعایای دولت ما در آینده نباید، خارج از نصیبین، کالینیکوس و آرتاکساتا (آرتاشاد) سفر کنند تا کالایی بخرند یا بفروشند و توقع داشته باشند که سوای شهرهای یادشده کالایی را با یک نفر ایرانی مبادله کنند. هر دو طرفی که به معامله می پردازند، باید بدانند که کالایی که در خارج از این مکان ها فروخته یا خریداری شود، از طرف بیت المال مقدس ما مصادره خواهد شد، به نحوی که این کالا و مبالغی که پرداخت یا معاوضه می شود، از دست رفته محسوب است و آنها نیز به کیفر تبعید

مادام‌العمر خواهند رسید» (Annotated Justinian code, IV.64.4).<sup>۱</sup> درباره اهمیت نقاط مرزی آمیانوس مارسلینوس نیز می‌نویسد که رومی‌ها مراودات مرزی را سخت زیر نظر دارند تا از فرار رومی‌ها به خاک دشمن مانع شوند و در نتیجه اطلاعات و اخبار مهم به دست نیروی متخاصم نیفتد (Marcellinus, XVIII. 5.3 Ammianus).

محققان و مورخان درباره این قرارداد، که در سال ۴۰۸/۹ میلادی میان ایران و بیزانس بسته شده، دقیق شده و به بررسی مفاد آن پرداخته‌اند؛ چنان‌که برخی از مورخان مفاد این قرارداد را تداوم مفاد قراردادهای سال‌های ۳۶۳ و به‌ویژه ۳۸۷ میلادی - که میان دو قدرت عصر باستان بسته شد - می‌دانند اما ماناندیان به نقل از گوتبوک (Güterbock) می‌نویسد در قرارداد ۳۶۳ میلادی که میان شاپور دوم و ژوویانوس بسته شد، ارمنستان به عنوان یک کشور مستقل در نظر گرفته شد و آرتاشاد نمی‌توانست به‌عنوان یکی از مفاد این قرارداد در نظر گرفته شود، ولی به نظر می‌رسد پس از قرارداد سال ۳۸۷ میلادی، که منجر به تقسیم ارمنستان میان ایران و روم شد، قطعاً آرتاشاد نیز به عنوان یکی از سه مکان بین‌المللی مبادله کالا ذکر شده است (Manandian, 1965, 22. 80-81 به نقل از Güterbock, 1906, 74-75).

از سه مکان ذکر شده به عنوان محل مبادلات تجاری، تنها کالینیکوس در سرزمین بیزانس قرار داشت و در واقع غربی‌ها فقط می‌توانستند از منافع این مکان شامل گرفتن عوارض گمرکی و غیره استفاده کنند، بنابراین در سیاست خارجی بیزانسی‌ها، دست‌یافتن به ارمنستان و پس از آن گرفتن یا تحت نفوذ خود درآوردن شهر آرتاشاد اهمیت ویژه‌ای

---

۱. ادامه مفاد قرارداد به همین ترتیب قاضیان در برخورد با امور تجاری که خارج از مکان‌های مزبور صورت پذیرفته باشد، به پرداخت جریمه نقدی به مبلغ سی پاوند طلا محکوم می‌شوند، و همچنان کسانی که در مناطق آنان یک رومی یا ایرانی در مکان‌های ممنوع به منظور تجارت سفر کرده‌اند. (۳) در هر حال از این امر مستثنی هستند کسانی که به عنوان همراهان سفیران ایرانی، هر موقع نزد ما گسیل می‌شوند و کالایی برای مبادله با خود برمی‌دارند. ما به ملاحظه انسانیت و احترام سفیران مانع آن نمی‌شویم که اینان کالای خود را در خارج از مکان‌های تعیین شده مبادله کنند، حتی اگر اینان تنها به مستمسک سفارت خود مدتی درازتر در یکی از ایالات مقیم شوند، و به‌هنگام بازگشت سفیر به مملکت خود وی را همراهی نکنند. کیفرهای حاصل از این قانون بحق در مورد اینان و کسانی که با آنان معامله کرده یا نزدشان اقامت گزیده‌اند، اعتبار دارد» (Annotated Justinian code, IV.64.4).

داشت. این واقعیت که یک جای دیگر هم در محدوده قدرت بیزانس می توانست محل مبادله کالا باشد، برای بیزانس امتیاز مالی فوق العاده ای داشت. همچنین ساسانیان نمی خواستند از منافع تجاری این شهر چشم پوشند.

### نتیجه

در رویارویی های ایران و روم در دوره ساسانی، شهر مرزی آرتاشاد نقش مهمی را ایفا کرده است. واقع شدن این شهر در ارمنستان، یعنی کانون اصلی منازعات ایران و روم در دوره ساسانی، اهمیت این شهر مهم مرزی و پادشاه نشین را بیش از پیش نمایان می کند. آرتاشاد با استحکامات کافی دارای کارکردهای نظامی - سیاسی و اقتصادی - تجاری بود. ساسانیان با تصرف این شهر، که بیشتر اوقات در دوره ساسانی در تصرف ایرانی ها قرار داشت، هم از آن به عنوان سپر دفاعی برای امپراتوری خود بهره بردند و هم از آن جا به مانند پایگاهی برای تعرض به سرزمین های شرقی روم و پیشروی سریع در خاک آن کشور استفاده کردند. همچنین باید گفت در واقع تصرف این شهر، که از لحاظ ژئوپلیتیک از موقعیت مناسبی بهره مند بود، به منزله کلید فتح ارمنستان به شمار می آمد. رومی ها نیز با تصرف آرتاشاد می توانستند به راحتی قلب سرزمین ایران را هدف قرار داده و با کمک و تقویت استحکامات این شهر باعث پیشگیری و یا حداقل از پیشروی سریع سپاه ساسانی در سرزمین خود ممانعت کنند. علاوه بر آن، شهر آرتاشاد با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی خود یکی از مراکز گمرکی و مرکز مبادله کالا میان ایران و روم در دوره ساسانی بود؛ چنان که در مفاد قراردادهایی که میان آن ها منعقد می گردید، کارکرد تجاری - بازرگانی شهر آرتاشاد لحاظ شده است. بنابراین با توسعه تجارت در قرن سوم میلادی، تصرف این شهر باعث شد سود مالی سرشاری برای قدرت های دنیای باستان به همراه داشته باشد. اهمیت تجاری - بازرگانی شهر آرتاشاد تا اواسط قرن پنجم میلادی حفظ شد ولی در اواسط این قرن، جایگاه خود را به شهر دوین داد و از این به بعد این شهر به عنوان مکانی برای دادوستد و مبادله کالاهای تجاری در نظر گرفته شد.

## منابع و مآخذ

- آگاتانگوس (۱۳۸۰). **تاریخ ارمنیان**. ترجمه گارون سارکسیان. تهران: نائیری. چاپ اول.
- باغداساریان، ادیک (ا. گرمانیک) (۱۳۸۰). **تاریخ کلیسای ارمنی**. تهران: بی‌نا.
- برنی، چارلز و لانگ، مارشال (۱۳۸۶). **تاریخ اقوام کوه‌نشین شمال غرب ایران**. تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.
- بروسیوس، ماریا (۱۳۸۸). **ایران باستان**. ترجمه عیسی عبدی. تهران: ماهی.
- پاسدرماجیان، هراند (۱۳۶۹). **تاریخ ارمنستان**. ترجمه محمد قاضی. تهران: زرین. چاپ دوم.
- پاستوس بوزند (فوستوس) (۱۳۸۳). **تاریخ ارمنیان**. ترجمه گارون سارکسیان. تهران: نائیری. چاپ اول.
- الجیگیان، ژاسمن (۱۳۸۲). **ارمنستان و سلوکیان**. ترجمه گارون سارکسیان. تهران: نائیری.
- خداوردیان، ک.س و دیگران (۱۳۶۰). **تاریخ ارمنستان**. ترجمه ادیک باغداساریان (ا. گرمانیک). تهران: بی‌نا. جلد اول.
- دریایی، تورج (۱۳۸۲). «ایران ساسانی». **تاریخ و فرهنگ ساسانی**. ترجمه مهرداد قدرت‌دیزجی. تهران: ققنوس.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳). **شاهنشاهی ساسانی**. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: ققنوس.
- دیاکونوف، میخائیل میخایلوویچ (۱۳۸۴). **تاریخ ایران باستان**. ترجمه روحی ارباب. تهران: علمی و فرهنگی.
- شیمان، کلاوس (۱۳۸۴). **مبانی تاریخ ساسانیان**. ترجمه کیکاوس جهان‌داری. تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز. چاپ اول.

- فرای، ریچارد (۱۳۸۳). «تاریخ سیاسی ساسانیان»، **تاریخ ایران ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی**. جلد سوم، قسمت اول، گردآورنده احسان یارشاطر. ترجمه حسن انوشه. تهران، امیرکبیر، چاپ چهارم، ص ۲۱۷-۲۷۶.
- کریستن سن، آرتور (۱۳۷۵). **ایران در زمان ساسانیان**، ترجمه رشید یاسمی تهران: دنیای کتاب. چاپ نهم.
- گیرشمن، رومن (۱۳۸۰). **ایران از آغاز تا اسلام**، ترجمه محمد معین. تهران: علمی و فرهنگی. چاپ سیزدهم.
- لانگ، دیوید مارشال (۱۳۸۳). «ایران، ارمنستان و گرجستان». **تاریخ ایران**. جلد سوم، قسمت اول، گردآورنده احسان یارشاطر. ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر. چاپ چهارم. صص ۶۱۷-۶۴۹.
- مانوکیان، آربی، (۱۳۸۶). «ارمنیان در دوران سلطنت سلوکیان». **مجله پیمان**، ش ۴۲، ص ۶۰-۷۳.
- موسی خورنی (۱۳۸۰). **تاریخ ارمنیان**. ترجمه و حواشی ادیک باغداساریان (ا. گرمایک). تهران: بی نا.
- Ammianus Marcellinus, (1935), *Ammianus Marcellinus With an English translation by John C. Rolfe (The Loeb Classical Library)*, In three volumes, London, W. Heinemann.
- Appian, (1962), *Appian's Roman History*, II, Books VIII Part II XII, Translated by Horace - White, Cambridge, Mass. : Harvard University Press ; London : William Heinemann.
- Blockley, R. C. (1987), " *The Division of Armenia between the Romans and the Persians at the End of the Fourth Century A.D.* ", *Historia: Zeitschrift für Alte Geschichte*, Bd. 36, H. 2, pp. 222-234.
- Blume, Fred H; (2009), *Annotated Justinian code*, revised by Timothy Kearley; University of Wyoming. College of Law., [Laramie, Wyo.], University of Wyoming College of Law. <https://uwacadweb.uwyo.edu/blume&justinian/> (accessed, February, 24, 2013).

- Bournoution, G. A. (1995), *A History of the Armenian people*, Volume I, Pre-History to 1500 A.D, California, Mazda Publishers.
- Cassius Dio. (1927). *Roman History*, Vol. IX (Books 71-80), Loeb Classical Library (No.177), London and New York.
- Chaumont, M.L. (1987). "Armenia and Iran", Ehsan Yarshater (Ed), in: ii. The pre-Islamic period *Encyclopaedia Iranica*, Vol 3, London and Henley: Routledge & Kegan Paul, pp. (pp. 418-438).
- Daryaee, T. (1998), "Sasanian Persia (ca. 224-651 C.E.)", *Iranian Studies*, Vol. 31, No. 3/4, pp. 431-461.
- Dignas, B., Winter, E., (2007), *Rome and Persia in Late Antiquity: Neighbors and Rivals*, Cambridge and New York, Cambridge University Press.
- Diodorus Siculus, (1957), *The Library of History of Diodorus Siculus* published in Vol. XXXI, of the Loeb Classical Library edition.
- Dodgeon, Michael H.; Lieu, Samuel N. C., (2005), *The Roman Eastern Frontier and the Persian Wars (AD 226-363)*, Part I, Routledge, London and New York.
- Elishē (Vardapet). (1982). *History of Vardan and the Armenian War*, translated and Commentary by Robert W. Thomson, Harvard University Press, Cambridge, Massachusetts.
- Greatrex, G. ; Lieu, S. N.C. (2005), *The Roman Eastern Frontier and the Persian Wars (part II AD 363-630 AD)*, London and New York, Routledge.
- Grosby, S. (1997), "Borders, Territory and Nationality in the Ancient Near East and Armenia and the Hittites", *Journal of the Economic and Social History of the Orient*, Vol. 40, No.1, pp. 1-29.
- Güterbock, Karl, (1906), *Byzanz und Persien in ihren diplomatisch-völkerrechtlichen Beziehungen im Zeitalter Justinians*, Berlin.
- Henzel, Judy.H., (2008). *A Comparison and Contrast of the History of Christianity as it Developed in Cappadocia and Armenia During the First Five Centuries AD*, A Thesis Presented to the Graduate School of Clemson University.

- Hewsen, R. H., (1986), *Artaxata*, <http://www.iranicaonline.org>.
- Manandian, Hakob. A., (1965), *The trade and cities of Armenia in relation to ancient world trade*, Lisbon, Bertand: <http://rbedrosian.com/Ref/tca1.htm>
- Mommsen, Theodor, (1886), *The History of Rome*, Volume 2, William Purdie Dickson, dd, LL.D, London, R. Bentley & son.
- P'arpec'i's, Ghazar, ( 1991), *The History of Lazar Parpeci*, Translated by R. W. THOMSON, Occasional Papers and Proceedings, Atlanta, Scholars Press.
- Plutarch, (1916), *The Parallel Lives*, published in Vol. III of the Loeb Classical Library edition.
- Polybius, (1922 thru 1927), *The Histories*, published in Vol. III of the Loeb Classical Library edition.
- Springling, M. (1953). *Third century Iran: Sapor and Kartir*, Chicago: Treatared and Distributed at Oriental Institute University of Chicago.
- Strabo, (1928), *The Geography of Strabo*, published in Vol. V , of the Loeb Classical Library edition.
- Tacitus, Cornelius, (1830), *Tacitus*, Tranlated by Arthur Murphy, Esq. Vol, II, London : printed by A. J. Valpy, M.A.
- Toumanoff, C. (1961), " *Introduction To Christian Caucasian History : II : States and Dynasties of the Formative Period*", Traditio, Vol. 17, pp. 1-106.